



www.ketab.ir



◊ کتاب چهل سطرِ مجتبیٰ ملک زاده ◊

◊ ناشر: کانون هنر ایران، پیکره ◊

◊ مقدمه ◊

استاد غلام حسین امیرخانی

سید محمد مجتبیٰ حسینی

◊ مدیر هنری ◊

امید محکمی

◊ لیتوگرافی: فرایندگویا ◊

◊ چاپ: آبیانه ◊

◊ صحافی: فرانگر ◊

◊ شمارگان: دو هزار نسخه ◊

◊ نوبت / تاریخ چاپ: اوّل / پاییز سال ۱۳۹۰ ◊

◊ باسپاس از همیاری: مهدی فلاح، سید حسین شاهمرادی، محمد حسن حامدی ◊

تذکره
(پیکره)

• سرشناسه: ملک زاده، مجتبیٰ ۱۳۳۹-

• عنوان و دیدآور: چهل سطر / مجتبیٰ ملک زاده.

• مشخصات نشر: تهران: پیکره، ۱۳۹۰.

• مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.: مصور (رنگی).

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۴۳۳-۸-۹

• وضعیت فهرست نویسی: فیا

• موضوع: خوشنویسی - ایران

• موضوع: خوشنویسی اسلامی - ایران

• موضوع: خوشنویسان ایرانی

• رده بندی کنگره: NK۴۶۳۹ / ف ۲ م ۷۳۹۰

• رده بندی دیویی: ۷۴۲/۶۱۹ فا

• شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۶۵۱۶

بناام خدا

قصه کتابِ سطر باز می‌گردد به سال ۸۵ و موزه ی امام علی (ع). در سومین برنامه نقش خیال بنا بر تقدیر از یکی از خوشنویسان معاصر بود که قرعه به نام من افتاد، مدیر فرهنگ و موزه جناب سیدمحسن هاشمی پیشنهاد چاپ و رونمایی کتابی همراه با مراسم را دادند. من که آن روزها مشغول نگارش سطر بودم چاپ مجموعه ای از سطرهای تازه نوشته شده ام را مطرح کردم. با طرح موافقت شد. در مدت کوتاهی کمتر از یک ماه با کمک های شبانه روزی دوست عزیز و یار همیشگی آقای سیدمحمد مجتبی حسینی (احسان) به دست چاپ سپرده شد. سطرهای کتاب سطر را فقط برای تجربه اندوزی و به تعبیری برای دل خودم نوشته بودم نه برای چاپ و تکثیر و آموزش؛ ولی نمی دانم چه سحری در سطر وجود دارد که عده زیادی از هنرجویان و علاقمندان شکسته نویس نیز اسیر سحر سطر شدند و کتاب سطر بی آنکه تعمدی در آموزش داشته باشد تأثیرگذار شد. پس از چاپ کتاب سطر، در چهار سال گذشته دوباره داستان سطر نویسی و جستجو و مکاشفه شروع شد. یافتن و جستجویی که هیچگاه پایانی ندارد. در این مدت دانگ قلم کمی درشت تر از قبل شد و ترکیبات اندکی پیچیده تر.

یکسال پس از چاپ کتاب سطر تمام شده بود و دوستان زیادی از نقاط مختلف کشور درخواست چاپ مجدد کتاب را داشتند. به کتاب سطر که نگاه می کنم سطرها را دیگر دوست ندارم و راضیم نمی‌کند. در طول چهار سال گذشته سطرهای بسیاری نوشته بودم که تنها ۴۰ سطر را توانستم از میانشان انتخاب کنم. تصمیم گرفتم برای چاپ کتابی از این چهل سطر استفاده کنم و نام کتاب را نیز ۴۰ سطر بگذارم. اینکار را کردم و مانند مقدمه که از استاد بی بدیل روزگارمان جناب استاد امیرخانی خواهش کردم تا برای تأیید چند سطر مرقوم فرمایند مانند همیشه با کمال بزرگواری قبول فرمودند که در اینجا ضمن تشکر برای ایشال از زوی سلامتی و طول عمر با عزت می‌نایم. مطلب بعد را دوست عزیزم احسان نوشت که نزدیک به ۲۵ سال است دمی از هم غافل نبوده ایم. امروز او یکی از معدود خوشنویسان هنرمند و اندیشمندی است که نوشته‌هایش در حوزه هنرهای ایرانی مخاطبان بسیاری دارد و بزرگان زیادی او را و قلمش را ستوده‌اند. در پایان از دوست عزیز و هنرمند جوان اُمید مُحکمی به یگانگی سپاسگزارم.

مجنّبی ملک‌زاده

تهران ۸۹/۱۰/۲۰

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

نگاه اول بیننده را مجذوب می کند. با کمی دقت و با دید کارشناسانه می توان در حروف و کلمات و ترکیبات این جزوه چکیده ای از هندسه زیبای موج و رقصان خط شکسته را که حاصل جمع ۲۵۰ سال تجربه و سیر تاریخی این قلم است در تمامی سطرها و صفحات آن ملاحظه نمود. اما در اختیار نبودن معیار مشخصی که بتواند شیوه و یا مقام خوشنویسی هر استادی را با دقتی که شایسته یک بحث فنی و متکی به روابط و تعریف روشن و متقن باشد در دست نیست ناگزیر باید برای برداشتن قدم اول در این راه از بصیرت شخصی و نیز تجربه تاریخی زیبایی شناختی استفاده نماییم. بنابراین برای تعیین مرتبه و عیار هر قطعه (خط) با عناوین و صفاتی چون: خوش اندام، عالی، بسیار عالی، ممتاز، نفیس، کم نظیر، بی نظیر و یا هم طراز و هم سان با خط فلان استاد می تواند مقدمه ای برای ادای مقصود باشد در سابقه تذکره نویسی خوشنویسان هم به همین ترتیب آثار کارشناسی می شد اما آیا بجز

هنر خوشنویسی در یک نگاه به هم پیوسته زاینده و پرورده ی تاریخ و سیر روزگاران است اما اگر بخواهیم جایگاه هر یک از بیش از ۲۰ نوع نگارش هنرمندانه تاریخی ایران را به گونه ای ویژه و با عنایت به پیوند و ریشه هر یک مورد بررسی قرار دهیم محتاج بررسی همه جانبه ای است که به مجال و دانش وسیعی نیاز دارد و چند گروه کارشناس باید به مدت لزوم بذل همت کنند تا حق مطلب ادا شود. آنچه در این مختصر مورد اشاره بنده است به مناسبت مجموعه پیش رو از قلم هنرمندانه استاد ملک زاده که به عنوان سرمشق و به هدف آموزش هنرجویان در حجم ۴۰ سطر فراهم شده که زیبایی آن در

توصیفاتی که ذکر شد نشانه هایی را می توان بدست داد که به غیر از زاویه نگاه و سلیقه معرف (با هر میزان بصیرت و انصاف) سند حقایقی باشد که دقت لازم برای شناخت و عیار مهارت و استادی و یا خلاقیت و هنرمندانه بودن اثر را مورد ارزیابی قرار دهد. و آیا امکان دارد که با هرگونه توصیف به جوهر و ذات یک اثر خوشنویسی (یا هر نوع اثر هنری) پرداخته شود.

نویسنده سعی دارد در حد امکان و به بهره مندی از سلوک ۵۵ ساله در این مقام شاید قدمی بردارد و این یادداشت را با فروتنی تمام به جامعه خوشنویسی تقدیم نموده و امیدوار باشد که جوانان هنرمند و هنرشناس برای تکمیل آن اهتمام نمایند.

برای انجام این مقصود ابتدا به آثار دو قله بلند پرافتخار و همیشه ستایش شده این قلم، اول هنرمند و استاد بی بدیل درویش عبدالمجید طالقانی که ۲۴۶ سال پیش روی درخاک کشیده و دوم هنرمند شایسته

و استاد عالی مقام سید گلستانه که ۱۱۲ سال پیش بدرود حیات گفته به عنوان میزانی برای رسیدن به حداقل معنای (تجربه زیبایی شناختی تاریخی) توجه کنیم.

شخصیت هنری درویش را به دو صورت می توان معرفی کرد ابتدا حدود معلوماتی که بسته و گریخته در تاریخ ها ذکر شده چهره او را به عنوان یک عارف، شاعر و هنرمندی می یابیم که به اصطلاح عرفانی با صفت (مجنوب و سالک) شناخته می شود. اگر متن و موضوع قطعات هنرمندانه و بسیار ممتاز و نفیس او را در نظر بگیریم از یک نامه کوتاه با موضوعی ساده که حاوی درخواست یا پیشنهاد یا خبر و درد دلی است تا قطعات مرکب پیچان و چند وجهی که هنرمندانه ترکیب و تنظیم شده اند از لحاظ بصری در کمال زیبایی و هم از جهت محتوا سرشار از لطایف و ظرایف حکمی و ادبی است که معرف ظرفیت ذوق و اندیشه و ظرافت طبع اوست و شاید رنج دایمی که از بیماری نوبه ربع جسم و جان او